

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: بررسی روایی مصادیق اخلاق نیکو در سیره اهل بیت (علیهم السلام)

نسترن جهاندار^۱

چکیده

اخلاق نیکو، به عنوان یکی از رکن های بنیادی پیشرفت و عالی جوامع اسلامی، در سیره اهل بیت (علیه السلام) اظهار یافته است. این مقاله با هدف بررسی و تبیین مصادیق اخلاق نیکو در زندگی و آموزه های اهل بیت (علیهم السلام)، به ارائه الگویی جامع از رفتارهای نیکو و پسندیده اصول اخلاقی می پردازد که می تواند هدایت گر عمل به اخلاق درست برای مسلمانان و تمامی انسان ها باشد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و تحلیل توصیفی، به بررسی ویژگی های برجسته ای همچون صبر، احسان، گذشت، تواضع، مهربانی و ایثار در سیره اهل بیت (علیهم السلام) می پردازد و نشان می دهد که چگونه این فضایل اخلاقی می توانند باعث صعود سطح روابط اجتماعی، کاهش ناهنجاری ها، و حفظ ارزش های انسانی و اخلاقی نقش مؤثری را ایفا کند. یافته های این تحقیق بیانگر آن است که با پیروی از اخلاق های برجسته اهل بیت علیه السلام و الگو گرفتن از آن بزرگواران میتوان نقش مؤثری در حل کردن مشکلاتی اخلاقی در جامعه باشد. این مقاله با مؤکد کردن بر برخی از مصادیق های اخلاق نیکو در سیره اهل بیت علیه السلام مانند احسان، تواضع، ایثار، مهربانی، گذشت و صبر به ارائه دیدگاه های نوینی در این راستا می پردازد و می تواند به عنوان منبعی ارزشمند و مهم در جهت ترمیم تعاملات انسانی و تقویت پایه های اخلاقی جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه: اخلاق نیکو، سیره اهل بیت (علیهم السلام)، فضایل اخلاقی

^۱ . طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها کوهشت

مقدمه:

اخلاق، به مثابه شالوده‌ای مستحکم برای بنیان روابط انسانی صحیح و بستری درست برای ترقی جوامع، همواره مورد توجه دانشمندان، مصلحان و رهبران دینی و مردم بسیاری بوده است. در دین گرانقدر اسلام، آموزه‌های اخلاقی در موقعیت بالایی برخوردارند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرجام بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاق اعلام فرموده‌اند. سیره مبین اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام)، به عنوان پدید آورنده اخلاق‌های نیکو و عمل به این آموزه‌های رفیع، گنجینه‌ای با ارزش و منبعی ثمین برای الهام‌گیری و الگوبرداری در مسیر هدایت گر اخلاقی به شمار می‌رود.

اکنون در پژوهش علمی حاضر با عنوان “بررسی روایی مصادیق اخلاق نیکو در سیره اهل بیت (علیهم السلام): ارائه الگوهایی برای صعود اخلاق فردی و اجتماعی” در صدد است تا با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روایات تاریخی، به تبیین و توصیف نمونه‌هایی پسندیده از رفتارهای اخلاقی و فضایل اخلاقی انسانی در زندگی نورانی اهل بیت (علیهم السلام) بپردازد. هدف اصلی این پژوهش، بهره‌برداری از الگوهای عملی و کاربردی از سیره این بزرگواران و ارائه راهکارهایی مؤثر برای ترقی سطح اخلاق فردی و بهبود روابط اجتماعی در جامعه‌ی امروز است. امید است که نتیجه این پژوهش، علاوه بر افزایش غنی دانش موجود در زمینه اخلاق اسلامی، اهتمام ویژه‌ای در راستای اشاعه فضایل اخلاقی و ارتقای سطح کیفی زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را بردارد.

مفهوم شناسی

معنای لغوی اخلاق: لغت "اخلاق" از ریشه "خُلُق" به معنای خوی، صفت و رفتار است. در زبان عربی، "خُلُق" به رفتارهای ذاتی و اکتسابی انسان اشاره دارد. (المنجد، صفحه ۳۵)

معنای اخلاق در اصطلاح: عالمان اخلاق ۳ معنا برای اخلاق در اصطلاح در نظر داشته اند:

۱ صفات راسخ نفسانی: صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند.

۲ صفات نفسانی: هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صفت نفسانی به‌صورت پایدار و راسخ باشد و چه به‌صورت ناپایدار، و چه از روی فکر حاصل شود و یا بدون تفکر و تأمل سرزند.

۳ فضایل اخلاقی: گاهی واژه اخلاق صرفاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی به‌کار می‌رود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «فلان کار اخلاقی است» یا «دروغ‌گویی کاری غیر اخلاقی است»، و یا زمانی که گفته می‌شود «عصاره اخلاق عشق و محبت است»، منظور از اخلاق، تنها اخلاق فضیلت است.

(فلسفه اخلاق، مصباح یزدی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۹ تا ۲۲)

معنای لغوی نیکو: - در فرهنگ لغت «نیکو» به معنای «خوب، پسندیده، زیبا، شایسته و مطبوع» است. (لغت نامه دهخدا صفحه ۳۹۰)

معنای اصطلاحی نیکو: در اصطلاح نیکو به معنای خوب، پسندیده و یا کیفیت بالا به کار می‌رود. این واژه در متون فلسفی، ادبی، اجتماعی برای توصیف ویژگی‌های مثبت و پسندیده انسان‌ها یا اعمال آنها به کار می‌رود. (لغت نامه دهخدا صفحه ۳۹۰)

اخلاق نیکو: مفهوم "اخلاق نیکو" به رفتارها و نگرش‌های پسندیده‌ای اشاره دارد که در متون دینی و فلسفی به عنوان الگوهای اخلاقی معرفی شده‌اند. این مفهوم شامل فضایل مانند صداقت، انصاف، رحم و محبت است که در تعالیم اسلامی و فلسفه‌های اخلاقی مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند. (اخلاق در اسلام از محمد باقر صدر، جلد ۱، صفحه ۷۰)

احسان:

احسان یکی از اخلاق های نیکو اهل بیت علیه السلام است که چندین بار در قرآن کریم آمده است. احسان به معنای نیکی و خیرخواهی به مردم و انجام دادن کاری به نحو احسن است. خداوند متعال در کلام الله مجید از یک طرف احسان را کمک کردن به والدین، اقوام، افراد تهی دست و یتیم و از سوی دیگر احسان را کاری را که به نحو نیک انجام دادن معنا کرده است. اهل بیت علیه السلام به عنوان واسطه خیر و نیک برای بشر در بالاترین رتبه احسان قرار دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیه السلام در بالاترین پله احسان قرار دارند. (قمی. ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۹۷). در اینجا چند نمونه آورده خواهد شد، شیخ صدوق رحمه الله در کتاب آمالی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که روزی مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمد و دید که پیراهن پیامبر کهنه شده است. دوازده درهم به رسول خدا صلی الله علیه وآله داد که برای خویش پیراهنی بخرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دوازده درهم را به حضرت علی علیه السلام داد و فرمود: این دوازده درهم را بگیر و برایم پیراهنی خریداری کن تا بپوشم. حضرت علی علیه السلام به بازار رفت و پیراهنی به قیمت دوازده درهم برای رسول خدا خرید و نزد پیامبر برد، رسول خدا هنگامی که پیراهن را دید فرمود: یا علی، پیراهن دیگری پیش من محبوب تر از این است، بین صاحبش آن را پس بگیرد. گفتم: نمیدانم. پیامبر فرمود: بنگر، من نزد صاحب پیراهن رفتم و گفتم، رسول خدا از این پیراهن خوش ندارد و پیراهن دیگری میخواهد، آن را پس بگیر، آن مرد پیراهن را برداشت و دوازده درهم به حضرت علی علیه السلام داد. حضرت علی علیه السلام دوازده درهم را نزد رسول خدا برد و آن دو باهم به سمت بازار حرکت کردند تا پیراهنی بخرند. در بین راه پیامبر کنیزکی را دید که نشسته و گریه میکند. رسول خدا صلی الله علیه وآله دلیل ناراحتی آن کنیز را جویا شد. کنیز گفت: ای رسول خدا خاندان من چهار درهم به من داده بودند تا برایشان چیزی بخرم اما من پول را گم کرده ام و الان میترسم دست خالی به خانه باز گردم. رسول خدا صل الله علیه وآله چهار درهم از آن پول به کنیز داد و فرمود به سوی خاندانت بازگرد. سپس به راه افتاد و به بازار رفت پیراهنی به چهار درهم برای خویش خرید و پوشید و شکر خدا را به جا آورد و از بازار بیرون رفت. در بین راه مرد برهنه ای را دید رسول خدا صلی الله علیه وآله پیراهن را از تن خود بیرون آورد و تن آن مرد کرد و بازار برگشت و با چهار درهم باقی مانده پیراهن دیگری خرید و آن را پوشید و شکر خدای متعال را به جا آورد و به سوی خانه بازگشت. در بین راه دوباره همان کنیزک را دید که سر راه نشسته، رسول خدا فرمود چرا نزد خاندانت برنگشتی؟ کنیزک گفت: ای رسول خدا من زیادی در خارج خانه بوده ام و میترسم برگردم مرا کتک بزنند حضرت فرمود: برخیز و پیشاپیش من راه بیفت و مرا به منزل خاندانت راهنمایی کن. رسول خدا وقتی به درب منزل خاندان کنیز رسید گفت: السلام علیکم یا اهل دار کسی پاسخ رسول خدا را نداد، حضرت برای بار دوم سلام کرد، باز کسی پاسخش را نداد، برای سومین بار حضرت سلام کردند و خاندان آن کنیزک گفتند: علیک سلام یا رسول الله و رحمه الله و برکاته. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: چرا بار اول و دوم پاسخ ندادی گفتند: سلام شما را هر دوبار شنیدم ولی دوست داشتم صدای شما

را بشنوم. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود این کنیزک دیر آمده او را مؤاخذه نکنید. آنها گفتند: یا رسول الله این کنیزک به برکت قدم شما آزاد است. حضرت فرمود هیچ دوازده درهمی با برکت تر از این ندیدم که دو برهنه را بپوشاند و برده ای را نیز آزاد کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در تمام عمر خود به مردم احسان میکرد حتی در جنگها منافقین هم مورد احسان حضرت قرار میگرفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با شخصی منافق هم با احسان رفتار کرد که این یکی از سرمشق خلق نیکو در سیره پیامبر و اهل بیت علیه السلام میباشد. عبدالله بن ابی منافقی بود که همواره در تکاپو بود که جایگاه پیامبر را در بین مردم کم رنگ کند. بدین جهت نقشه های خبیثی برای مسلمانان و پیامبر صل الله علیه وآله کشیده بود و روحیه ناامیدی به مردم منتقل میکرد. زمانی که سوره منافقون به خاطر کارهای ننگ آور عبدالله ابی نازل شد او از پدرش دستور میگرفت، روزی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله رفت و به ایشان گفت: اگر شما بخواهید من میتوانم سر پدرم را برای شما بیاورم. همه خزرچی ها میدانند که هیچ کس از من نسبت به پدرش احسان گر نبود ولی من میترسم روزی برسد که شما شخص دیگری برای کشتن پدرم بفرستید و من قاتل پدرم را با چشمان خود ببینم و در این صورت نتوانم خودم را کنترل کنم و تحمل دیدن او را نداشته باشم و این موجب گردد مسلمانی را رها کنم و کافر گردم و این باعث میشود که داخل دوزخ شوم. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: نه، بلکه تا زمانی که با ماست با وی نرمی و مدارا نموده و به نیکویی رفتار می نماییم. (ابن هشام، بی تا، ۲/ ۲۹۳ طبری، ۱۹۶۷، ۲/ ۶۰۸) از دیگر نمونه های احسان در سیره پیامبر اکرم که حاکی از اخلاق نیکوی ایشان بود، تقسیم کردن غذا با دستان مبارکشان برای سربازان بود که در جنگ احزاب پیامبر مسلمانان را فراخواند که غذا بخورند، پیامبر اکرم خودشان شخصاً نان را تکه تکه میکرد و لقمه میگرفت و به یارانش میدادند. (مقریزی ۱۹۹۹، ۵/ ۱۵۴: بیهقی ۱۹۸۵، ۴۲۴: بخری ۲۰۰۶، ۲/ ۸۴۵).

احسان یکی از خصلت های نیکو در سیره اهل بیت علیه السلام و معصومین علیه السلام مخصوصاً حضرت علی علیه السلام است. این بزرگواران به ضعفا، فقرا، یتیمان، بردگان و همه مسلمانان احسان میکردند، یکی از مصادیق احسان بخشندگی میباشد که حضرت علی علیه السلام جزء افراد بخشنده و احسان گری بود که پیامبر اکرم در وصف این اخلاق نیکو حضرت علی علیه السلام چنین فرموده است: این دریای خروشان و خورشید برآمده، در بخشش از فرات بخشنده تر است و دل گشایتر از دنیا هر کس او را دشمن بدارد لعنت خدا بر او باد. (محمدی، ری شهری، دانشنامه امیر المؤمنین علیه السلام ج ۹، ص ۵۱۲)

روزی بیابان نشینی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: ای امیر المؤمنان در خانه نه حیوانی کرک دار هست و نه پشم داری، نه گوسفند دارم و نه شتری! فرمود: به خدا سوگند بیش از قوت خود چیزی ندارم، بیابان نشین در آن لحظه دست خالی برگشت، در حالی میگفت: به خدا سوگند، در روز قیامت، خدا از تو به خاطر این دیدار بازخواست خواهند کرد. حضرت علی علیه السلام بسیار گریه کرد و فرمود تا آن بیابان نشین را برگردانند و از او خواست تا سخنش را تکرار کند و باز حضرت گریه کرد و فرمود ای قنبر! آن زره مرا بیاور و آن را به مرد بیابانی داد و فرمود: مواظب باش کلاه سرت نرود، با آن بسیار غم ها از چهره پیامبر زدوده ام،

نیکوی خود، از مرد بدهکار خواست که درخواستش را در نامه ای بنویسد، و آن مرد هم از امام خواست که تا زمان گشایش بهبود مالی خویش از طلبکار فرصت بگیرد، آن مرد فقیر از پند امام درس هایی گرفت و در نامه به صورت آشکارا نگفت که به پانصد دینار نیاز دارد. امام حسین علیه السلام به خاطر آن که مرد سریع از پند های امام درس اخلاق گرفت پانصد دینار به آن مرد پاداش داد. از این رو علی رغم بخشندگی و اکرام امام رفتار مهربانانه آن حضرت وجود دارد، چرا که انسان بدهکار هنگام درخواست نیاز احساس شرمندگی در خودش دارد. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام هر دو نماد برجسته ای از مهربانی بودند با اخلاق نیکو سرمشق و الگویی برای تمام مردم مسلمان و شیعه هستند.

گذشت:

گذشت از خصلت های نیکو پیامبر صل الله علیه و آله و اهل بیت علیه السلام است چرا که آنان با دارای روحیه گذشت و بخشش در صدر این اخلاق نیکو قرار دارند. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله در دوران حکومت و زندگانی خویش از دشمنان و ظالمان اسلام جور و جفا و ستم های کثیری دیده بود، آن پیامبر بزرگوار حتی از همسرانش سختی های زیادی تجربه کرد، ولی با این وجود، از همه آنان گذشت کرد. روزی عایشه یکی از همسران پیامبر صل الله علیه و آله به ایشان گفت دهانت بوی بو مغفیر میدهد. (مغفیر: عطر درختانی از حجاز، به نام عرفط بود و بوی بدی میدهد). آیا مغفیر خورده ای؟ پیامبر در آن لحظه واقع امر را بیان نکردند. چرا که پیامبر اکرم آن زمان مغفیر نخورده بودند، ولیکن عسلی که همسر دیگرشان به اسم زینب بن جحش برایشان فراهم کرده بود، خورده بودند. دلیل بیان نکردن واقعیت آن پیامبر مهربان این بود که ایشان نمیدانستند عایشه راست میگوید یا نقشه ای کشیده است؟ پیامبر گرامی اسلام با گشاده رویی و مهربانی از کار نادرست عایشه گذشت کردند و با محروم کردن خود از خوردن عسل مسئله را حل کردند و قسم خوردند که مردم هم از آن عسل نخوردند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴) گذشت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله همچنان ادامه داشت هنگام فتح مکه مردم یهودی و خیبر برای آن حضرت غذای سمی آوردند و قصد داشتند پیامبر را بکشند، حتی زن یهودی غذای زهر آلود و سمی برای پیامبر اعظم تهیه کرد و میخواست پیامبر را مسموم کند، اما پیامبر از افعال خبیث و زشت آنها گذشت کرد و پاسخ آنان را با بدی و انتقام نداد بلکه کینه و نفرت را به گذشت و مهربانی مبدل کردند. (ابن آشوب، ۱۹۵۶م، ۱۴۷). پیامبر با گذشت ما این اخلاق نیکو را به اصحابش تعلیم میداد و با رفتار با گذشتش این خصلت نیکو را در اجتماع جای گذاری کرد. مالک که یکی از خدمتکاران پیامبر است که میگوید: زمانی که بنده در خدمت رسول اکرم صل الله علیه و آله بودم هرگز به خاطر ندارم که آن حضرت به من گفته باشد چنین کن چنان کن؟ و هرگز به من عیب نگرفت. (مجلسی، ۱۴۴ق، ۱۵۱) پیامبر اعظم صل الله علیه و آله هرگز به خدمتکارش سرزنش نمیکرد و اگر خطایی هم بود گذشت میکرد. گذشت یکی از خلق های نیکویی بود که زنجیره وار از پیامبر به یاران و اصحابش رسیده بود. امام دوم معصوم ما حسن مجتبی علیه السلام مانند پیامبر گذشت زیادی داشتند و از بدی ها و رفتار های ظالمانه گذشت میکردند. بسیار اتفاق می افتاد که رفتار با گذشت امام باعث دگرگونی افراد مقصر و

پیوستن به اصحاب اهل بیت شده بود. یکی از بارزترین گذشت های امام حسن مجتبی علیه السلام گذشت از رفتار پرخاشگرانه مرد شامی است که به زبان خود آن مرد شامی به بیان داستان میپردازیم: روزی به مدینه رفته بودم. مردی را دیدم که بر مرکب گرانبها سوار شده بود و لباس های ارزشمندی پوشیده بود. از جلال آن مرد خوشم آمد. پرسیدم او که بود؟ گفتند: ((حسن بن علی ابن ابی طالب)) هنگامی که نام علی را شنیدم، در وجودم گستره ای از نفرت و عداوت علیه آن مرد احساس کردم و نسبت به آن بخیل شدم که علی چرا باید این چنین فرزندی داشته باشد. سپس به سمت آن مرد رفتم و با رفتار خشن گفتم: ((تو پسر علی هستی؟)) امام فرمود: آری! فرزند او هستم. آنگاه من در حد توانم به او و پدرش فحش و دشنام دادم. او تا پایان حرف هایم صبر و سکوت کرد. بعد با گشاده رویی از من پرسید: به گمانم در این شهر غریب هستی. اگر به خانه احتیاج داری، به تو خانه میدم، اگر به مال احتیاج داری به تو میدهم، اگر کمک دیگری میخواهی، بگو تا انجام بدهم. شاید مرا با شخص دیگری اشتباه گرفته ای. اگر جایی میخواهی بروی، تو را راهنمایی کنم و اگر بارت سنگین است، در آوردن آن به تو کمک کنم، اگر گرسنه ای سیرت کنم، اگر برهنه ای، تو را بپوشانم، اگر بارت را به خانه من بیاوری تا وقتی که در این شهر هستی میهمان من باشی، خوشهال می شوم. خانه من بزرگ است و برای آسایش تو فراهم. مرد شامی وقتی گذشت وسیع امام حسن علیه السلام را دید بسیار خجالت کشید و در حال گریه میگفت: گواهی میدهم که جانشین خدا بر زمین و خداوند بهتر می داند که بار رسالت را بر دوش چه کسی بگذارد؟ تا الان تو و پدرت را از همه مردم دشمن تر میدانستم، ولی اینک تو محبوب ترین بندگان خدا پیش من هستی. در آن هنگام مرد شامی به منزل امام با گذشت ما رفت، و تا زمانی که در شهر مدینه بود مهمان امام بود و بعد از آن هنگام از یاران و دوستان محبوب حضرت بود. (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۹) امام حسن مجتبی علیه السلام با گذشت خود توانست آن مرد شامی را دگرگون کند و تحت تأثیر قرار دهد و پیرو سیره اهل بیت علیه السلام شود. گذشت امام دوم ما حد و مرز نداشت، ایشان آن قدر با گذشت بود که حتی از قاتل خود هم گذشت کرد. عمر بن اسحاق میگوید: هنگامی که امام حسن مجتبی به شهادت رسید من و حسین علیه السلام در کنار ایشان بودیم، امام در آن هنگام فرمود: به من زهر داده اند، ولی این دفعه بسیار متفاوت است.

چرا که اینک جگرم را تکه تکه کرده است. امام حسین علیه السلام با غم و اندوه شدیدی از او پرسید: چه کسی به شما زهر داده است؟ امام فرمود: از او چه میخواهی؟ میخواهی او را بکشی؟ اگر آن کسی باشد که من میدانم، خشم و عذاب خداوند بیش تر از تو خواهد بود. اگر هم او نباشد، دوست ندارم که به خاطر من، شخص بی گناهی گرفتار شود. (اسدالغابه، ج ۲، ص ۱۵). امام حسن مجتبی علیه السلام تا پای جانش گذشت کرد زیرا او میدانست که زور خداوند از همه بیشتر است و پاسخ ظلمی که در حق حضرت شده بود میدهد، برای همین هنگام شهادت گذشت کرد و اسم شخص قاتل را نیاورد و همه چیز را به خدا واگذار کرد.

نتیجه:

اخلاق نیکو یکی اصول های اخلاقی است که به سبب آن اصول ها میتوان دلهای بسیاری از انسان ها به سمت خود و دین اسلام جذب کرد. اهل بیت علیه السلام با خلق های نیکویی همانند: صبر، گذشت، تواضع، مهربانی، احسان، ایثار توانستند قلوب بسیاری از مردم را به سوی دین اسلام و راه هدایت جذب کنند، آنها در تمام سیره زندگانی خویش با خلق نیکو رفتار کردند و حتی با دشمنان و کفار هم اخلاق نیکویی داشتند همین امر سبب شد این اخلاق بزرگوارانه آنان در جهان آشکار شود و خداوند آنها را به عنوان اولین الگوی اسلام قرار دهد. در واقع اگر این بزرگواران الگوی مردم نبودند اکنون هیچ یک از مردم نسبت به هم رحم نمیکردند چرا که با اخلاق نیکو میتوان هریک از انسان ها در شرایط سخت کمک یار هم بود. اهل بیت علیه السلام در لحظه مرگ هم با آنکه ظلم های زیادی در حقشان شده بود با خلق نیکو و پسندیده رفتار کردند. صبر حضرت زهرا علیه السلام، احسان پیامبر بزرگوار اسلام و حضرت علی علیه، مهربانی پیامبر مهربان ما و امام حسین علیه السلام و گذشت پیامبر اکرم و امام دوم ما امام حسن مجتبی علیه السلام و تواضع پیامبر اکرم و امام علی علیه السلام و ایثار در زندگی مشترک حضرت زهرا علیه السلام و حضرت علی علیه باعث شد که این اخلاق های نیکو در اجتماع فرهنگ سازی شود و آنها به عنوان سرمشق برای مردم نهادینه شوند چرا بسیاری از مردم که با دین اسلام آشنایی نداشتند هنگام برخورد با اهل بیت علیه السلام به دین اسلام پیوستند و از یاران آنها شدند. از این مطالب بدست آمده میتوان نتیجه گرفت که اهل بیت علیه السلام در تلاش بودند که اخلاق نیکو را در جامعه فرهنگ سازی کنند و مردم را به سبب این اخلاق بزرگوارانه به راه دین اسلام و صراط مستقیم برسانند. اکنون اگر ما هم از این بزرگواران والا مقام الگو بگیریم و طبق آنها رفتار کنیم میتوانیم به خیلی از مشکلات و مسائلی که در اجتماع وجود دارد کمک کنیم مانند: کمک به بیماران، گذشت کردن برای جلوگیری از جنگ و خونریزی، احسان به افراد تهی دست در مشکلات معیشتی، تواضع هنگام برخورد با یک دیگر، کمک به ایتام و موارد بسیار دیگری که با اخلاق نیکو حلال بسیاری از مشکلات خواهد بود. با نهادینه سازی این اخلاق های نیکو در وجود خود میتوان راه درست را طی کرد و به صراط مستقیم رسید و از راه های انحرافی شیطانی نجات پیدا کرد. صبر، گذشت، ایثار، احسان، مهربانی، تواضع از اخلاق های نیکویی بود که ما از اهل بیت علیه السلام در این مقاله کوچک بیان کرده ایم لذا از مصداق های اخلاق نیکو در سیره این بزرگواران بسیار زیاد است که ما به همین چند مورد اکتفا کرده ایم.

اخلاق نیکو در سیره اهل بیت علیه یکی از راهکار هایی بود که آنها توانستند خود را در دل های تمام مردم جا کنند و انسان های غافل زیادی را از تاریکی و انحرافی نجات دهند. حقیقتاً اگر آنها این اخلاق نیکو را نداشتند اکنون ما در گمراهی و ضلالت به سر میبردیم و جهان اسلام نابود میشد. خداوند متعال اهل بیت علیه السلام و معصومین را در این دنیا واسطه قرار داد تا آنها کمک یار مردم باشند و سرای واقعی آخرت را

برای آنها اشکار کنند و ناجی برای گمراهان باشند. با منتشر کردن اخلاق های نیک معصومین و انتشار آن برای مردم امروزی میتوان به حل بسیاری از معضل های اخلاقی و مشکلات دیگری کمک کرد.

منابع:

قرآن

نهج البلاغه

۱: هادی منش، ابوالفضل، رویکرد تحلیلی به زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام، چاپ دوم، شماره کتاب شناسی ملی، ۱۰۴۰۰۹۳، سال ۱۳۵۶

۲: بیاتی، جعفر، اخلاق حسینی، بنیاد پژوهش های اسلامی ۱۳۸۶

۳: انصاریان، حسین، تواضع و آثار آن، سال نشر ۱۳۸۸

۴: شریف قرشی، باقر، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، سال نشر ۱۳۹۳

۵: هادی منش، ابوالفضل، در قلمرو آفتاب (داستان هایی از سیره اخلاقی پیشوایان معصوم علیه السلام) قم سال نشر ۱۳۸۵

۶: محدثی، جواد، اخلاق نبوی (آشنایی با سیره اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، سال نشر ۱۳۸۵)

۷: محیطی اردکان، محمد علی، کارگر شورکی، سمانه، بررسی تحلیل علل گرایش صبر حضرت زهرا سلام الله علیها هنگام مصیبت سال سی و یکم، شماره چهارم، پیاپی ۲۹۵، تیر ۱۴۰۱

۸: غضنفری، علی، خلجی، علی سیره اخلاقی حضرت زهرا سلام الله علیها با تکیه بر مفاهیم قرآنی تقوا، عدالت، صبر، دو فصل نامه علمی _ ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیه السلام، سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۹: کارگر شورکی، سمانه، محیطی، اردکان، محمد علی، تحلیل فضیلت اخلاقی صبر به مصیبت در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها، سال بیست و نهم، شماره هفتم، پیاپی ۲۷۴، مهر ۱۳۹۹

۱۰: رسولی محلاتی، سید هاشم، ویژگی های پیامبر اعظم و اخلاق انسانی آن حضرت، سال سوم شماره یازده

۱۱: طیب نیا، محمد صالح، خورسندی، زهرا، مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیر المؤمنین علیه السلام

۱۲: شیروانی شیر، علی، همتی، محمد علی، مفهوم قرآنی احسان و اصول و کارکرد های تربیتی آن، فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، مقاله پژوهشی، دوره دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۱۳: سروری مجد، علی، ابعاد فرهنگ احسان در قرآن و سنت، سال پانزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۳

۱۴: نساجی زواره، اسماعیل، آموزه های اخلاق پیامبر اکرم صل الله علیه و آله، مکتب اسلام، سال ۴۶، شماره ۴

۱۵: کاظمی، رویا، بررسی سیره رفتاری پیامبر اکرم صل الله علیه و آله با همسران، سال دوم، شماره دوم

۱۶: متانت پور، محمد تقی، سیره اخلاقی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله، فصلنامه تاریخ نو، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۳

۱۷: کاشفی، صدیقه، عترت دوست، محمد، فتاحی زاده، فتیحه، تبیین راهکار های عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیر المؤمنین علیه السلام، فصلنامه علمی، سال ۱۰، شماره ۳۷، پیاپی ۵۹، بهار ۱۳۹۸

۱۸: عزیزی، بیتا، قطبی، دکتر ثریا، نجفی، حسن، رهنما، دکتر اکبر، واکاوی مؤلفه های رفتاری ایثار با رویکردی به قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۹: خوانساری، محمد امین، دلایل هنجارین ایثار و از خود گذشتگی در اخلاق و حیانی، سال چهاردهم، شماره دوم، پیاپی ۳۱، تابستان ۱۴۰۳